

بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

علیه نسل کشی و خطر گسترش جنگ، علیه جنگ تروریستها!
برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی!

صفحه ۲

جنگ و صف بندیهای طبقاتی؛
ناسیونال شوونیسم و ناسیونالیسم ضد امپریالیستی

صفحه ۵

سیاوش دانشور

در باره موضع اشتباه اسماعیل بخشی
علیه اپورتونیسم و تخریب شخصیت

صفحه ۸

سیاوش دانشور

در مقابل قتل دنیا فرهادی سکوت نکنیم!

صفحه ۹

ملکه عزتی

نقدی به موضع اسماعیل بخشی و پاسخی به تعرض راست و
چپ پروغربی

صفحه ۱۰

رحمان حسین زاده

استاندارد دوگانه حزب کمونیست کارگری در برخورد
به فعالین چپ و راست

صفحه ۱۲

امیر عسگری

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

صفحه ۱۳

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در
کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و
فردا ارگان حاکمیت!

۷۷۴
مصلحتی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۴ آبان ۱۴۰۳ - ۲۵ اکتبر ۲۰۲۴

ریاکاری مجلس اسلامی در
مورد کشتار کارگران زغال
سنگ معدن طبس

مجلس اسلامی ایران بلاخره بعد از مدتی طولانی گزارشی در مورد علل انفجار در معدن زغال سنگ "پرونده طبس" که در آن به کشته شدن ۵۲ کارگر و زخمی شدن ۲۰ نفر منجر شد ارائه داد. گزارشی که مجلس در این خصوص منتشر کرده و سظوری از آن در ادامه خواهد آمد دلایل واقعی این فاجعه انسانی در معدن طبس است، دلایلی که بارها خود کارگران فریاد زدند و در رابطه با عدم ایمنی محیط کار در معدن هشدار داده اند، فعالین و مدافعین طبقه کارگرنوشتند و افشا کردند که از این فاجعه های انسانی در معدن جلوگیری به عمل آید، اما گوش شنوایی برای آن نبود و امروز مجلس اسلامی تحت فشارافکار عمومی و خانواده کارگران برای خاموش کردن خشم مردم و کارگران ناشی از ازیان فجایع، همه این موارد یعنی عواملی که باعث این فاجعه شده به مجلس گزارش کرده اند. شرمتان باد. این ریاکاری بیش نیست. دولتی که لیاقت حفظ جان کارگر در محیط کار را ندارد باید به درک واصل کرد.

مجلس اسلامی روز سه شنبه ۱۱ آبان در گزارش مشترک کمیسیونهای صنایع و معادن در باره عوامل بروز انفجار در معدن طبس از جمله: فقدان نظارت، شرایط کار نامناسب، عدم رعایت استانداردهای ایمنی و توجه نکردن به هشدار

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بمانند. هدف تحمیل یک تناسب قوای جدید در ترتیبات سیاسی و امنیتی خاورمیانه و به این اعتبار در چهارچوب وسیعتر معادلات قدرت بلوک بندیهای جهانی در منطقه است.

در شرایطی که جریان ارتجاعی "محور مقاومت" تضعیف شده و در سیر فروپاشی است، حمله نظامی به ایران و گسترش جنگ تروریست ها در درجه اول صفوف متشنت جمهوری اسلامی را منسجم و به مبارزه جاری برای سرنگونی انقلابی ضربات مهلک میزند. رژیم با استفاده از فضای جنگی، درعین بند و بست با دولتها به مردم و جنبشهای اعتراضی تهاجم خواهد کرد. شرایط جنگی در هر سطحی علیه روند مبارزه انقلابی است، اپوزیسیون راست پروغری اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و فدرالیست را تقویت میکند، زمینه عروج نیروهای ضد جامعه و فلائز و سناریوی سیاهی و قیچی کردن موقت مردم از سیاست خواهد بود. باید موکداً تکرار و تاکید کرد که چنین جنگی به مبارزه مردم ایران فرصت نمیدهد بلکه به تداوم سلطه خونین جمهوری اسلامی و یا از هم پاشیدن شیرازه جامعه خدمت میکند. این جنگ دو دولت و ارتش ها و جبهه های هم مرز نیست، تروریسم هوایی و مجازات جمعی شیوه طرفین درگیر است. این جنگ برسر حل مسئله فلسطین هم نیست، هر دوسوی جدال خواهان نفی مسئله فلسطین اند. تروریسم و قلدری میلیتاریستی تنها نیروهای واپسگرا و فاشیست و فرقه های مهجور سیاسی را تقویت میکند و مخاطرات وسیعی برای جامعه و مردمی دارد که تلاش دارند رژیم اسلامی را سرنگون کنند.

فضای جنگی و صف بندی ها در اپوزیسیون ایران

با تشدید فضای جنگی سرعت نیروهای سیاسی اپوزیسیون حول برخورد به جنگ پلاریزه شدند. این پلاریزاسیون گوشه ای از تشدید قطبی شدن سیاست در ایران است. در شرایطی که هنوز جنگ مستقیم دو طرف شروع نشده با این صفتندی مواجه هستیم و در صورت وقوع جنگ تشدید خواهد شد:

۱- بلوک مدافع حمله نظامی بمثابه موثلف سیاسی و بوقچی ارتش اسرائیل و آمریکا. سلطنت طلبان، بخشی از جمهوریخواهان، ناسیونالیستهای قومی فدرالیست، مجاهدین خلق از این زمره اند. این طیف "آزادی" را در بمب های ناتو و اسرائیل جستجو میکنند و روی دوش ویرانی جامعه، قیچی کردن مردم از سیاست و سلطه عنصر استیصال، رویای نزدیک شدن به قدرت را در سر میپورراندند.

۲- بلوک دیگر، شاخه های مختلف ناسیونال شوونیسیم است که با عبارتهای مختلف "در دفاع از میهن" در کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند. طیف توده ایست از هواداران سابق سرمایه داری دولتی در بلوک شرق تا هواداران کنونی روسیه و چین، نیروهای مرتجع محور مقاومتی که علناً و رسماً از جمهوری اسلامی دفاع میکنند، طیف مشهور به "آنتی امپریالیسم" میان رگه هائی از چپ که ناسیونال شوونیسیم بستر اصلی را در شکل یک ناسیونالیسم ضد امپریالیستی و دفاع از ارتجاع کوچک فرموله میکنند، با ادبیات و ادله های مختلف در بلوک حمایت از جمهوری اسلامی قرار میگیرند.

۳- یک رگه ضعیف تر آرامش طلبی لیبرالی و دفاع از وضع موجود زیر پوشش "صلح طلبی" است. بخشی از نیروهای طیف مرکز از اصلاح طلبان تا جمهوریخواهان، از بنیان جنگ و از

بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

علیه نسل کشی و خطر گسترش جنگ، علیه جنگ تروریستها! برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی!

لجاجت دولت نژادپرست اسرائیل بر ادامه نسل کشی در غزه، گسترش جنگ به لبنان و کشتار مردم بیدفاع و آوارگی میلیونی، تصمیم حمله نظامی به مراکز و مناطقی در ایران، کابوس جنگ ویرانگری را در مقابل مردم خاورمیانه و جهان قرار داده است. جنگ و تقابل دولتهای مذهبی و فاشیست اسرائیل و جمهوری اسلامی به دو راهی های خردکننده رسیده است. چهارچوب سیاست جنگ نیابتی و محدود سابق به سیاستی تهاجمی تر تغییر یافته است. این تغییر از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون و بویژه در دو ماه گذشته با حذف و ترور سران حماس و حزب الله و نیروهای رژیم اسلامی، شتاب بیشتری گرفته است. حمله موشکی اخیر جمهوری اسلامی به اسرائیل، که زیر فشار و برای آبروداری میان نیروهای خودی و نیابتی با اطلاع قبلی صورت گرفت، بهترین هدیه جمهوری اسلامی و خامنه ای به نتانیاهو بود. این حمله موشکی فرصتی طلایی به دولت جنگ طلب اسرائیل تحت عنوان "پاسخ مشروع" برای گسترش جنگ در منطقه داد. امروز رسانه ها و تریبونهای دولتی و غیردولتی دست راستی با هیجان ابلهانه ای که گویا مشغول بازی کامپیوتری هستند، از اهدافی که باید بمباران شوند سخن میگویند. در کنار تبلیغات جنگی، یک سیکل فعال دیپلماسی برای بند و بست و امتیازگیری در سطوح مختلف در جریان است.

حمله دولت اسرائیل با تأیید و حمایت دولت آمریکا به مناطقی در ایران قریب الوقوع است. دامنه این پاسخ سیر بعدی تقابل را ترسیم میکند. تمرکز تلاشهای دیپلماتیک در منطقه برسر محدود کردن دامنه پاسخ اسرائیل و اجتناب از گسترش جنگ است. در حال حاضر، بجز دولت اسرائیل هیچ دولتی خواهان گسترش جنگ و ورود خاورمیانه به یک جنگ تمام عیار نیست. رویارویی رژیمهای ارتجاعی اسرائیل و ایران با جنگ کلاسیک دو کشور همجوار تفاوت دارد. بمباران و موشک باران و تروریسم هوایی و سایبری شکل غالب خواهد بود و تداوم این تقابل تروریستی نیازمند حمایت و دخالت مستقیم دولت آمریکا است، اقدامی که تاکنون دولت آمریکا از آن اجتناب کرده است.

کشمکش و تقابل دولتهای اسرائیل و ایران یک جنگ تروریستی با اهداف ارتجاعی و خط مشی فاشیستی است. هدف دولت نژادپرست اسرائیل متکی به حمایت کامل دولت آمریکا از این تقابل؛ نه نابودی حماس و حزب الله بلکه به حاشیه راندن و تضعیف جدی آنها، نه سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه تحمیل توازن قوای جدیدی به جنبش اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در منطقه است. آنچه که "نظم نوین خاورمیانه" عنوان میشود، بازسازی ارتجاعی و بورژوائی خاورمیانه است که طلیعه خونین آنرا در نسل کشی و مجازات جمعی مردم فلسطین، در آوارگی میلیونی و کشتار مردم عادی لبنان، در گسترش میلیتاریسم در منطقه، در تثبیت صریح ترین تبلیغات و ادبیات نژادپرستانه در رسانه های بستر رسمی دیده ایم. در این کشمکش قرار نیست هیچ نیروی تروریستی نابود شود، آنها صرفاً باید ضعیف شوند اما در صحنه



کارگران است و همینها دست در دست کارفرمایان مفتخور و استثمارگر زندگی کارگران را به روز سیا نشانده اند.

گزارش مجلس ریاکاری محض و شگرد جمهوری اسلامی برای به فراموشی سپردن این جنایت است. همه می دانند که در معادن چه می

گذرد اما مسئولین مربوطه و کار به دستان رژیم با رشوه و اخاذی از کارفرمایان چشم از نبود استانداردهای ایمنی محیط کار می بندند و با جان کارگران بازی می کنند. کارگر نیروی کارش را برای امرامعاش و زنده ماندن می فروشد و لی برای نان جان می دهد. این است سرنوشت اکثر کارگران در ایران. بی دلیل نیست که ایران به لحاظ استثمار نیروی کار کارگر، مرگ کارگر به دلیل سوانح کاری، دستمزد پائین در ازای کار سخت و تافت فرسا، در رده بالای کشورهای جهان قرار دارد.

دولت جمهوری اسلامی برای ساخت موشک، اتم و ساخت مسجد و حوزه علمیه و تولید دستگاه خرافات و نیروهای نیابتی پول دارد و از کیسه مردم ریخت و پاش می کند، اما به رفاه و امنیت و آسایش و حفظ جان کارگر در محیط کار مربوط است پول نیست و مردم را با فقر و نداری مشقات فراوان روبرو کرده اند.

کارگران نباید این را از مجلس و دولت قبول کنند. همه می دانند که در معادن چه می گذرد اما کاری انجام نمی دهند. سود پرستی و دولت و سرمایه داران مانع توجه به محیط کار و حفظ جان کارگر است. کارگران انتظار دارند که در ازای کار و زحمتی که انجام می دهند و سود تولید می کنند از حقوق مکفی و محیط کار امن بر خوردار باشند. اما در ایران تحت حاکمیت دولت اسلامی سرمایه از این خبر ها نیست و کارگر باید جان بکند و برای نان جان بدهد.

تا تعیین تکلیف جامعه با این رژیم ضد انسان و ضد کارگر، خود کارگران لازم است که از این همه ناحقی در مورد خود و خانواده شان نگذرند. ضمن فشار به دولت برای جبران این خسارت و تهیه امکانات ایمنی مدرن محیط کار، با تشکیل مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان و نظارت بر محیط کار در معادن به موقع از این فجایع جلوگیری به عمل آورند. تجربه نشان داده که علاوه بر هشدار کارگران به ناامنی محیط معادن گوش شنوایی برای آن نیست و کارگر باید هزینه آن را بپردازد. راه تفوق کارگران بر دولت و کارفرما در شرایط کنونی ایران، گسترش اعتراض و اعتصاب و تحمیل مطالبات به دولت است. سوسیالیسم و لغو کارمزدی تنها راه نجات طبقه کارگر از استثمار و تبعیض و نابرابری و تحمیل زندگی مشقت بار به کارگران است. سرنوشتی حکومت سرمایه داری و مذهبی ایران قدم اول به سوی این است. طبقه کارگر به عنوان تنها طبقه رهایی بخش جامعه از تبعیض و نابرابری های اقتصادی و استثمار نظام سرمایه داری، خود باید جلو صف این نبرد طبقاتی قد علم کند.

۲۴ اکتبر ۲۰۲۴

سردبیر

ریاکاری مجلس اسلامی در مورد کشتار کارگران زغال سنگ معدن طبس

کارگران اشاره کرده است.

در قسمت دیگر این گزارش علت انفجار در بلوک C این معدن که به مرگ کارگران منجر شد این طور گزارش کرده اند: تجمع تدریجی گاز و عدم تهویه مناسب، عدم وجود هشگرهای دقیق و ثابت، سیستم مانیتورینگ گاز، سیستم های هشدار خودکار، حفاری غیر اصولی و ریزش بخشی از توده که منجر به مدفون شدن تعدادی از کارگران و افزایش غلظت گاز متان و بروز انفجار در آن محل شد.

و در قسمتی دیگر از این گزارش به "فقدان نظارت بر نقشه های تهویه شرکت زغال سنگ معدنجو طبس، شرایط کاری نامناسب شامل عدم رعایت قوانین استانداردهای ایمنی و قواعد حرفه ای، کمبود تجهیزات حفاظتی ایمنی و آموزش ناکافی، استفاده از ماشین آلات قدیمی و نامناسب و ضعف در عملکرد دستگاههای مسئول دارای وظیفه قانونی در امر نظارت بر فعالیت و محیط کار معدن، عدم توجه به هشدار کارگران وعدم ارائه آموزش های ایمنی لازم به کارگران معدن به عنوان عوامل این حادثه اشاره شده است."

"اما فراموش نکنید که قبلا بعد از حادثه معدن وزیر کار و معاون روابط کاری جناب وزیر، این حادثه و کشتن ۵۲ کارگر و رخمی شدن ۲۰ نفر را "معمولی و طبیعی عنوان کرد؛.

فشار بر دولت برای افشای واقعی دلایل انفجار معدن طبس بلاخره آنان را وادار کرد که حقیقت را بر زبان بیاورند. یادمان هست آنقدر این فاجعه دلخراش بود و آنقدر اعتراض به این جنایت بالا بود که دادستانی اعلام کرد که کسی تا روشن شدن علت این حادثه حق ندارد در این مورد صحبت کند.

آنچه مجلس اسلامی حکومت سرمایه داری ایران در مورد علل این حادثه بر شمرده همه درست و واقعی اند اما ریاکاری محض است و اشتباه بزرگی است که این توجیها و ریاکاری را از قاتلین کارگران قبول کرد.

اولا، این اولین حادثه نیست که در معادن زغال سنگ رخ می دهد و زندگی کارگران را نابود می کند. دولت و دواير مربوطه جوايشان که انفجار در معدن گلستان که منجر به کشتن ۳۶ کارگر شد چه هست. در گزارشی آمده که در ۶ ماه منتهی به انفجار طبس ۲۰ حادثه در معدن با دست کم ۶۰ کشته در ایران رخ داده است، جواب مجلس به این فجایع چه هست.

هم دولت و هم مجلس و نیز همه مسئولین مربوطه خوب می دانند و آنچه در گزارش مجلس اسلامی در مورد انفجار معدن طبس آمده است اطلاع کافی دارند و از عوامل این فجایع که بر شمرده اند مطلع هستند و اقدامی برای جلوگیری از قتل کارگران انجام نمی دهند. می دانند که معادن ایران قتل گاه است نه محیط کار برای امرامعاش.

وقتی وزیر کار در نهایت لاقیدی و بی توجهی به جان کارگران حادثه را؛ معمولی و طبیعی؛ عنوان می کند عین رذالت و دشمنی آشکار با

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

جنبش طبقه کارگر تاکید دارد. بهترین مخالفت با تبلیغات جنگی و جنگ تروریستها، گسترش اعتصاب و اعتراض و مبارزه انقلابی علیه رژیم اسلامی است. در صورت وقوع جنگ؛ شرایط کار ما تغییر میکند نه سیاستها و اهدافمان. در این دوره پاسخ به الزامات محوری مبارزه طبقاتی، درک شرایط جدید برای عمل انقلابی و سوسیالیستی، دست بردن به هر اقدامی که نیاز زمانه و شرط تقویت جامعه و جنبشهای پیشرو است، از وظایف کمونیست ها و بویژه رهبران کارگری و جنبشهای اجتماعی است. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، اردوی آزادی و برابری، نه در اهداف جنگ و نه در صفوف دولتهای تروریست درگیر جنگ و نه در سیاست موثلفین آنها شریک نیست. ما علیه همه آنها هستیم و سرنگونی حاکمیت بورژوازی و انقلاب کارگری را تنها پاسخ واقعی و جامع به این اوضاع میدانیم.

سیاست ما درعین حال بسیار صریح علیه تبلیغات جنگ طلبانه و شوونیستی و ناسیونالیستی و علیه سیاست دفاع از حکومت اسلامی است. سیاست انترناسیونالیستی کارگری علیه جنگ سرمایه داران اساساً علیه بورژوازی "خودی" و جمهوری اسلامی، سیاستی در دفاع از همسرنوشتی کارگران و مردم آزادیخواه در منطقه و جهان، تقابل با فرقه ها و دستجات آواتوریست و سناریوی سیاهی و منزوی کردن آنها، مقابله با آلترناتیوسازی جریانان راست، آمادگی برای مواجهه با هر خلأ قدرتی که ممکن است در هر مقطع رخ بدهد و پر کردن آن با قدرت مستقیم کارگری و توده ای و انقلابی است.

دولت نژادپرست و آپارتاید مذهبی اسرائیل "ناجی" مردم ایران نیست. سرنگونی رژیم اسلامی و پایان دادن به ارتجاع مذهبی در منطقه امر جنبش کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست، کار طبقه کارگر سوسیالیست، امر زنان و نسل جدید برابری طلب و انقلابی است. رهبران کارگری و کمونیست ها باید در ایندوره برای سلب قدرت از بورژوازی تلاششان را متمرکز کنند. فراخوان ما به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان اینست که علیه نسل کشی و جنگ تروریستها و در دفاع از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بمیدان بیایند. "این جنگ ما نیست، جنگ سرمایه داران است!" "نه به نسل کشی، نه به جنگ ارتجاعی!" "با تمام قوا برای سرنگونی جمهوری اسلامی!" "علیه جنگ کاپیتالیستها، زنده باد انقلاب کارگری!"

نه به تروریسم دولتی، نه به تروریسم اسلامی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اکتبر ۲۰۲۴ - مهر ۱۴۰۳

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در
اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست علیه نسل کشی و خطر گسترش ...

سازمان ملل جنگ طلبان تقاضای برقراری صلح میکنند. عمده این نوع "صلح طلبی" همواره بین دو اردوی درگیر و بلوکهای مدافع آن در نوسان است و ماهیت مستقلی ندارد.

۴- کمونیست ها و کارگران و مردمی که جنگ خودشان را دارند و جنگ تروریست ها را پارازیتی بر آن میدانند. نیروهائی که بادبان امیدشان را به بمب های اسرائیل و آمریکا و کشتار کارگران در صنایع زیرساختی ایران گره نزده اند و درگیر یک مبارزه بیوقفه علیه استبداد و استثمار، علیه زن ستیزی، علیه فقر و فلاکت و مشقات نظام کنونی اند. این بلوک نماینده انسانیت و تمدن و پرچمدار "نه به جنگ تروریست ها"، سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب کارگری علیه سرمایه داری است.

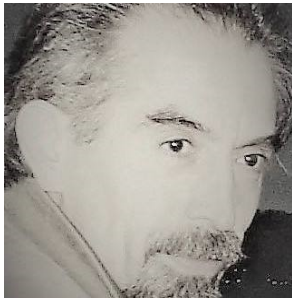
در وضعیت حاضر، بلوک هواداری از حمله نظامی پُر سر و صداتر و بلوک هواداری از جمهوری اسلامی ضعیف تر است. سیاست و شیوه برخورد این دو بلوک تفاوت ماهوی ندارد، هر دو در اهداف جنگ شریکند و هر دو منافعشان را در دفاع از یک طرف درگیر جنگ جستجو میکنند. این نیروها پروکسی تبلیغاتی و سیاسی طرفین کشمکش و مدافع اهداف ضد انسانی جنگ ارتجاعی دولتهای سرمایه داری اند.

چه باید کرد کمونیست ها در شرایط کنونی و در دوره گسترش جنگ احتمالی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، مکرراً تداوم نسل کشی در غزه، گسترش جنگ تروریستی به لبنان و میلیتاریزه کردن منطقه را قویاً محکوم میکند. ما خواهان توقف فوری نسل کشی و جنگ تروریستها هستیم. ما علیه فضای جنگی و گسترش احتمالی این جنگ به ایران و خاورمیانه هستیم. در صورت تحمیل این جنگ ویرانگر به جامعه ایران، حزب ما در دوره جنگ همان اهدافی را علیه جمهوری اسلامی دنبال میکند که قبل از جنگ دنبال می کرد. سیاست ما علیه اهداف جنگی دولتهای تروریست اسرائیل و جمهوری اسلامی است. این جنگ ما و طبقه کارگر نیست، جنگ ما زنان و نسل جدید نیست، این جنگ سرمایه داران و دولتهای تروریستی است و قرار است هزینه آنرا شهروندان و طبقه کارگر ایران و اسرائیل بپردازند. سیاست محوری حزب حکمتیست در دوره جنگ، گسترش مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تلاش برای به شکست کشاندن افق ارتجاعی "نظم نوین خاورمیانه" است. کمونیست ها و طبقه کارگر در کشورهای منطقه و جهان ضروری است در مقابل افق بورژوائی نظم ارتجاعی خاورمیانه، بر انترناسیونالیسم و همبستگی طبقاتی کارگران در منطقه و بویژه در ایران و اسرائیل، بر بمیدان کشیدن صفوف سکولار و پیشرو و سوسیالیست در خاورمیانه برای یک همزیستی و صلح پایدار، بر سرنگونی دولتهای استبدادی و مذهبی و اسلامی، بر حمایت از مبارزه انقلابی در ایران و بر حل فوری مسئله فلسطین تاکید کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در دوره جنگ بیش از هر زمان بر منفعت و صف مستقل طبقه کارگر و اهداف ضد کاپیتالیستی

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!



زیستی به مردم غزه و حل مسئله فلسطین یک خواست فوری و جهانی است. توحش دولت آپارتاید اسرائیل و همراهی دولتهای موثلف و رسانه های قلم به مزد بحدی شور است که تروریسم و توحش حماس و حزب الله را به سایه رانده است. مستقل از ابعاد و توان واقعی دو سوی تروریسم، هر دو یک روش دارند، متکی بر مجازات جمعی و منطق فاشیستی اند، هر دو یک مسئله سیاسی مانند اشغال و الحاق و مسئله ملی فلسطین را به یک مناقشه مذهبی و تقابل یهودیت و اسلامیت بدل کردند، هر دو خواهان نفی دیگری و هر دو مانع حل مسئله ملی فلسطین اند. در این میان خود مسئله فلسطین و مهمتر مردم فلسطین قربانی تقابل ارتجاعی نیروها و دولتهای تروریستی مذهبی و متکی بر آپارتاید یهودی و اسلامی اند.

از مقطع هفت اکتبر تا امروز سیر تقابل دو قطب تروریستی تشدید شده است و امروز در وضعیتی هستیم که تحمیل یک تناسب قوای جدید به اسلام سیاسی در دستور دولت اسرائیل و متحدین غربی اش قرار دارد. زدن رهبری و امکانات و توان نظامی نیروهای موثلف جمهوری اسلامی و تضعیف آنها، مقدمه تحمیل شرایط جدیدی به جمهوری اسلامی در منطقه است. این روند میتواند با سازش و دیپلماسی و جنگ محدود و جبهه ای همراه باشد اما سیری بدون بازگشت است. سیاست ترور و حذف رهبران حماس و حزب الله و تهاجم تروریستی به نیروهای سپاه قدس در سوریه و موثلفین جمهوری اسلامی در عراق و یمن در این راستاست. سوال اینست چرا چپ ناسیونالیست و نئوخلقی ها، "ضد امپریالیست" ها، ناسیونال شوونیست ها در جدال جاری به بهانه "دفاع از مردم فلسطین و مقابله با امپریالیسم و صهیونیسم" کنار جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی قرار میگیرند؟

از پوپولیسم تا "محور مقاومت"

کمونیسیم ملی، خلق گرایی و ناسیونالیسم چپ در ایران و کشورهای تحت سلطه، همواره جناح چپ ناسیونالیسم بستر اصلی بوده است و اساسا آرمانهای اجتماعی همین طبقه را نمایندگی کرده است. زمانی جنبشهای استقلال طلبانه در کشورهای باصطلاح جهان سوم، بویژه بعد از تزه های کمینترن، جهت سیاسی حمایت از بورژوازی ضد استعماری و "ملی" را در مقابل کولونیالیسم و "امپریالیسم" برگزیدند. آرمان استقلال ملی و رفع وابستگی، تضاد "خلق با امپریالیسم" را بجلو میراند. خلق جای طبقه و کارکرد امپریالیسم بعنوان یک "نیروی خارجی" جای سرمایه داری و مناسبات سرمایه دارانه حاکم بر شرایط کار و زندگی طبقه کارگر را میگرفت. طبقات و تضاد طبقاتی "فرعی" میشد و تضاد "اصلی" یعنی "تضاد خلق ها با امپریالیسم" برسر رفع وابستگی و استقلال برجسته میشد. در این مسیر ابتدا طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اصلی جامعه سرمایه داری و مبارز طبقاتی بعنوان رکن اساسی کشمکش طبقاتی حاشیه ای و بجای آن عبارت موهوم و پوپولیستی "خلق" می نشست. به همین اعتبار "دولت خلقی"، "آزادی برای خلق و سرکوب برای ضد خلق" در مقابل دولت کارگری و آزادی وسیع فردی و اجتماعی سوسیالیستی قرار میگرفت و آرمان محدود و ملی استقلال و

جنگ و صف بندیهای طبقاتی؛ ناسیونال شوونیسم و ناسیونالیسم ضد امپریالیستی

سیاوش دانشور

جنگ، چه جنگ دو کشور همجوار برسر مسائل منطقه ای و ادعاهای ارضی و چه جنگ وسیعتر منطقه ای و بلوک بندیهای جهانی، یکی از موضوعات محوری و مقاطع تعیین کننده ای است که آینده احزاب سیاسی و نیروهای مختلف در جامعه را رقم زده است. خط مشی و سیاست در قبال جنگ توسط نیروهائی که با نام سوسیالیسم و کمونیسم فعالیت کرده اند، مکان اجتماعی و طبقاتی واقعی آنها را تعیین کرده است. به عبارت دیگر، تاکتیک برخورد به جنگ در هر دوره معین، یک کاغذ تورنسل و معرف احزاب و جریاناتی بوده است که آرمانهای اجتماعی تماما متمایزی را نمایندگی کرده اند و در سوال جنگ این انتخاب اجتماعی و طبقاتی خود را دیکته کرده است.

ترور اسماعیل هنیه، حسن نصرالله و رهبران حزب الله و کشته شدن یحیی السنوار، دریچه ای شد که مواضع و سیاستهای گرایش موسوم به "آنتی امپریالیسم" یا ناسیونالیسم ضد امپریالیستی بیش از پیش هویدا شود. بستر اصلی این گرایش حکومتی است و خود را بعنوان "محور مقاومت" تبیین میکند، حاشیه های این گرایش که گاهی غرولندی به حکومت دارد و یا سیاستهای حکومت را با ادبیات چپ و شبه مارکسیستی می آراید، در اساس همان حرف را میزند و همان اهداف و همان منافع را تعقیب میکند. اینکه چه توجیه ایدئولوژیکی دارد ثانوی است، مهم اینست در اساس سیاست و اهداف جنبشی، در معادله "تقابل با دشمن خارجی و امپریالیسم" و اینجا بقول آنها "صهیونیسم" در یک مکان و موضع اجتماعی و طبقاتی قرار دارند و یک حرف واحد را میزنند. چه بسا چپ هایشان بعضا تندتر از راست هایشان در درون رژیم هستند. اینجا لازم است به تبیین و تاکیدات ایدئولوژیکی، تاکتیکی و استراتژیکی این باصطلاح "محور مقاومت" توجه کرد تا بتوان وجوه اشتراک و اختلافات درون خانوادگی ناسیونال شوونیسم و جناح چپ آن یعنی ناسیونالیسم ضد امپریالیستی را توضیح داد.

ناسیونال شوونیسم یک تمایل واقعی بورژوازی در دفاع از چهارچوب حاکمیت و سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی در بازار داخلی زیر پرچم "منافع ملی" و "دفاع از میهن" و "مقابله با تجاوز اجنبی" است. بورژوازی در دوره جنگ بیش از هر زمان منافع طبقه خود را بعنوان منافع عمومی جار میزند و با دامن زدن به احساسات میهن پرستانه و پوپولیستی روی بسیج ناسیونالیستی کار میکند. اساس سیاست ناسیونال شوونیسم در بحران و جنگ، دفاع از طبقه بورژوازی خودی در مقابل رقبا و قدرتهای دیگر است. پرچم ناسیونال شوونیسم همواره دست حکومتها است و بستر وسیع تر ناسیونالیسم در جامعه مخاطب اصلی آنست. ناسیونالیسم ضد امپریالیستی جناح چپ این گرایش است که بعضا به "لیبرالیسم" و "ناپیکیری" برادر بزرگتر انتقاد دارد و سیاست میلیتانت تری دارد.

نسل کشی دولت نژادپرست اسرائیل از مردم بیدفاع غزه به حق نفرت و عصبانیت مردم آزادیخواه جهان را موجب شده است و خواست آتش بس و پایان فوری نسل کشی و رساندن کمکهای داروئی و

جنگ و صف بندیهای طبقاتی...!

عربی از کارگر و مبارزه کارگری و تمایلات عموم خلقی و ناسیونالیستی حاکم بر آنها، نزدیکی با اسلامیه با عنوان اپوزیسیون و بخشی از نیروهای خلقی، عملاً به خلع سلاح سوسیالیسم و سیاست مستقل کارگری انجامید. این عدم حضور اجتماعی و طبقاتی مستقل کارگری، چه در خود کشورهای عربی و چه میان چپ در دیگر کشورها، مبنائی برای این توجیه رایج شد که "همه نیروهائی که در فلسطین مبارزه میکنند جزو جنبش مقاومت اند". ریشه تمجیدهای این روزهای ناسیونالیسم ضد امپریالیستی از یحیی السنوار و حسن نصرالله اینجاست. صد البته این آرمان مشترک ناسیونال شوونیسیم و ناسیونالیسم ضد امپریالیستی است که این نیروهای متفرقه و متضاد را هم جهت و در مقطع جنگ و بحران به هم پیوند میدهد.

جنبش اسلام سیاسی متاخر یک جریان ضد کمونیستی و ضد کارگری و ضد سکولاریستی و یک ابزار دفاعی ساخته غرب علیه آرمان کارگری و کمونیسم در دوره جنگ سرد بود. خلق گرائی و پوپولیسم شیفته "ضد امپریالیسم خمینی" در انقلاب ۵۷ از یک نیروی ضد کمونیستی و ضد انقلابی در مقابل امواج انقلاب دفاع میکرد. نیروهای این جریان کمابیش امروز هم هستند؛ بخشی از هواداران سابق بلوک شرق و "اردوگاه سوسیالیسم" یعنی سرمایه داری دولتی شوروی سابق، توده ایست ها و طرفداران کنونی روسیه و چین، محافل محور مقاومتی که از جمهوری اسلامی و سپاه تا حزب الله و حماس و جهاد و حوثی تحت عنوان "نیروهای جنبش مقاومت در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم" دفاع میکنند، و اخیراً هواداران "امپریالیسم خوب یا بهتر" علیه قدرقدرتی امپریالیسم آمریکا اضافه شدند. اینروزها با بیانیه های پرسوز و گداز و "عاشورائی" در دفاع از اسلام سیاسی و نصرالله و السنوار تحت نام "مارکسیسم و کمونیسم" مواجه هستیم. اینها با به ابتدال کشیدن مارکسیسم و با ادویه ادبیات چپ از منفعت جنبش اسلامی در رکاب ناسیونال شوونیسیم حکومتی شمشیر میزنند. واقعا عبارات و جملات حماسی برخی بیانیه های این حضرات با اظهارات عراقچی و دیگر سران رژیم مو نمیزند. در این موج برخی رسماً و علناً در کنار جمهوری اسلامی اند. بسیاری دیگر شخصاً نه رژیمی اند و نه دل خوشی از اسلام سیاسی دارند اما در این تقابل مشخص در منطقه و ایران حامی حماس و حزب الله هستند. اما رویشان نمیشود صریحاً مدال قهرمانی را به سینه خامنه ای آویزان کنند.

مبارزه طبقاتی منطق کوبنده ای دارد. در دو راهی های تعیین کننده، این تمایل و سیاست جنبشهای طبقاتی است که خود را در بیان مواضع و سیاستها و گفته های هر فرد و جریان و جنبشی منعکس میکند. آن کارگر روسی منشیویک که در شوراها از ادامه جنگ دولت کزنسکی دفاع میکرد، اگر چه کارگر بود و عضو شورا، اما در آن لحظه معین سیاست دفاع از جنگ امپریالیستی را نمایندگی میکند و کارگر و خرده بورژوا و بورژوا بودنش یا موافق و مخالف رژیم کادت بودنش تفاوتی در این موضع سیاسی کنکرت ایجاد نمیکرد. بویژه روش برخورد به جنگ و سیاست و تاکتیک در قبال جنگ، از موضوعاتی است که سرنوشت احزاب مهم سیاسی را رقم زده است. احزاب انترناسیونال دوم اساساً سر موضع در قبال جنگ به سمت بورژوازی و دفاع از حکومت خودی درغلطیدند و مبنای یک چرخش بزرگ و تعیین کننده در سوسیالیسم بین الملل شدند. جنگ ایران و عراق و تجارب جنگهای قرن بیستم کمابیش همین را میگوید. در بحران امروز هنوز جنگ مستقیم به ایران نرسیده است که

صفحه ۷

رفع وابستگی بجای برپائی نظم نوین سوسیالیستی می نشست. از نظر اجتماعی این جنبش به خرده بورژوازی ناراضی و عاصی از جامعه سرمایه داری متکی بود و طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی در سیستم فکری اش جائی نداشت و در بهترین حالت پازلی از تصویر "خلق" بود که این خلق از اقشار خرده بورژوازی و خواستههای دموکراتیک شان تا حاجی بازاری ها و بورژوازی کوچک را دربرمیگرفت. کارگر در این تصویر حاشیه ای بر متن بود و مبارزه طبقاتی و اهداف سوسیالیستی موکول به محال میشد.

این پوپولیسم و رادیکالیسم خرده بورژوائی در روز خودش در مقابل سوالات اساسی انقلاب ۵۷ اجتماعاً شکست خورد و در متن تناقضات خود و انتقاد مارکسیستی از هم پاشید. در دوره های بعد، به حکم قدرت مبارزه کارگری در صحنه سیاست و مسلط شدن نقد و روایت مارکسی از کمونیسم، بیشتر این پوپولیست ها در ارکان فکری و سیاسی خود تجدید نظر کردند. در سالهای اخیر اما یک نئوخلق، یک خلق گرائی جدید شکل گرفته است که ملغمه ای از تئوریهای دست چندم قدیمی است. گرایشی که بنیانهای پوپولیسم و خلق گرائی سابق را با المنتهائی از هویت سازی های جعلی و درجه ای توجه به ادبیات کارگری باضافه رگه هائی از آنارشیزم را در این معجون ترکیب کرده است. خلق گرائی نوع پ ک ک و پژاک و چپ اینترسکشنالیست، سیاست هویتی پست مدرنیسم و طیفهای متفرقه ناسیونالیسم قومی و ناسیونالیسم اسلامی، اجزای متفرقه و تشکیل دهنده این نئوخلق جدید هستند که بدرجات متفاوت در محافل مختلف این طیف منعکس میشوند.

پوپولیسم و ناسیونالیسم چپ در کنار پرو-سوویتیسیم گرایش عمده حاکم بر جریانات چپ کشورهای تحت سلطه بعد از شکست انقلاب اکتبر در قرن بیستم بوده است. ناسیونالیسم چپ در کشورهای عربی درست مانند ایران در سیمای جریانات اسلامی موثلف "ضد امپریالیستی" خود را یافته است و با آن در یک سازش و هم جهتی علیه "دولت دست نشانده امپریالیسم" بوده و دستکم دیدگاه انتقادی نسبت به جریان ارتجاعی اسلامی نداشته است. این ناسیونالیسم چپ قبل از هر چیز بی ربط به کارگر و مبارزه روزمره کارگر علیه سرمایه داری در همین جوامع بوده است، برنامه و سیاستی برای تامین منافع مستقل طبقاتی کارگر در قبال مسائل جامعه نداشته و اهداف ضد حکومتی و برنامه ای خود را با اتکا به نیروی این طبقه پیش نبرده است. بعنوان مثال ناسیونالیسم و سوسیالیسم اردوگاهی از رگه های مسلط در سیاست در کشورهای خاورمیانه تا دهه های چهل و پنجاه بودند. اسلامیت و جریانات اسلامی وجود داشتند اما در حاشیه اوضاع بودند. "سوسیالیسم عربی" پایه اش را روی ناسیونالیسم عرب بستر اصلی گذاشت و وقتی ناسیونالیسم عرب و سکولاریسمش تضعیف شد و تدریجاً سقوط کرد، جایش را جریانات اسلامی گرفتند. تمه همین سوسیالیست های متفرقه را نیز با ترور و سرکوب نابود کردند. جریان اسلام سیاسی از یکسو محصول سیاست "کمربند سبز امنیتی" برژنیسکی در متن جهان دوقطبی آنروز با هدف تقابل با گسترش کمونیسم بود و از سوی دیگر بعد از افول ناسیونالیسم میلیتانت عرب پرچم سخنگوئی بورژوازی منطقه برای اعاده سهم و قدرتش در ترتیبات سیاسی- اداری خاورمیانه را برافراشته بود. دوری سوسیالیسم

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

جنگ و صف بندیهای طبقاتی!...

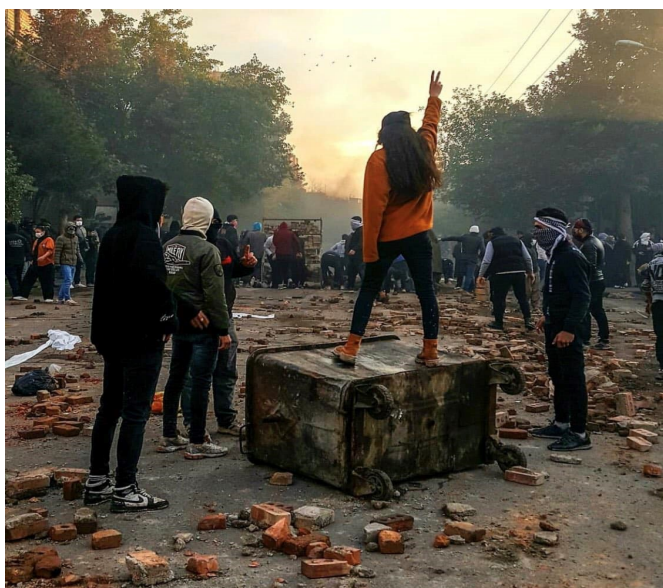
یحیی السنوار و حسن نصرالله را نمونه تیپیک و مدل آرمانی خود میبیند و در این ستایش مذهبی آنرا را بنمایش گذاشته است. در دوره جنگ قبلی اسرائیل و حزب الله، اس دلبیو پی انگلستان شعار داد: "ما همه حزب الله هستیم!" امروز این خط در تمجید نصرالله و مرگ حماسی السنوار مدیحه سرائی میکند. محور مقاومتی ها، توده ایسم و تابلوی جدید دفاع از جمهوری اسلامی، موفق شد عده ای را با خط و روایت سوپر ارتجاعی خود همراه کند. یک سیاست کارگری برای دفاع از مردم فلسطین و علیه دولت اشغالگر اسرائیل، برخلاف ناسیونالیسم ضد امپریالیستی نیاز ندارد متحد و موئتلف تاکتیکی جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله شود و سران جنبش اسلامی را روی سرش بگذارد. این کلاهبرداری و فروختن ارتجاع ضد کارگری به نام مردم محروم فلسطین است. هیچ رابطه یکی به یکی بین مشقات مردم فلسطین با نیروهای اسلام سیاسی وجود ندارد، همانطور که هیچ رابطه یک به یکی بین فاجعه هولوکاست و مشقات مردم منتسب به یهود یا عملکرد و جنایت و نسل کشی دولت اسرائیل وجود ندارد. "محور مقاومت" یک زائده حکومتی و یک جریان مرتجع مدافع بورژوازی و مشخصا جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی در منطقه است. ناسیونالیسم ضد امپریالیستی نیز جدید نیست، این رگه ناسیونالیستی و ضد ارتجاع بزرگ همیشه وجود داشته و امروز در بهترین حالت به دوره عتیق "سوسیالیسم اسلامی" رجعت کرده است. اگر این جریان فردا صریح و روشن به تمجید و دفاع از خامنه ای پرداخت، تعجب نباید کرد.

۲۰ اکتبر ۲۰۲۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com



خطوط داغ شدند و با حرارت هر کدام به سمتی میروند. تکلیف محور مقاومتی ها روشن است، آنها موئتلف سیاسی رژیم اسلامی و خامنه ای بعنوان سرکرده "محور مقاومت" اند. اما آن نیروها و افرادی که بدلیل موضعشان در قبال مسئله فلسطین از بیرون برای آنها دست تکان میدهند، در یک دو راهی خطرناک قرار گرفتند که میتواند محمل سقوط برگشت ناپذیر آنها باشد.

قتل حسن نصرالله و یحیی السنوار

در میان ترور و قتل رهبران حماس و حزب الله، قتل حسن نصرالله و یحیی السنوار با واکنش های متفاوتی روبرو شد. اگرچه بحثها به حواشی موضوع یعنی "شادی یا عزاداری" محدود شد، اما همین حاشیه ها کمک کرد که از اصل موضوع دور شویم. احزاب باصلاح کمونیست اسلام زده و مرتجعی در آمریکا و برخی جاهای دیگر قتل و مرگ هنیه و نصرالله را تسلیم گفتند و در رثای آنها سخنسرائی کردند. در مورد یحیی السنوار، تعداد زیادی در سیمای وی "چگوارای اسلامی" دیدند و مقاومت و مبارزه تا به آخر وی را ستودند. ناگهان تفاوت جنبشی و طبقاتی و عملکرد ارتجاعی و سرکوبگرانه جنبش اسلامی در یک چرخش قلم محو شد. اگر همه اینها را به نفرت از اسرائیل و نسلی کشی اش ببخشیم و عامدانه نادیده بگیریم، این را نمیتوان نادیده گرفت که چه شد که سطح توقع و آرمان و افکار و مبارزه اینان به سطح یک بنیانگذار سازمان جاسوسی حماس و یک قاتل مشهور و یک سرکوبگر درون حماس اخوانی و سلفی سقوط کرد؟ این دیدگاه هرچه باشد، سال نوری با کمونیسم فاصله دارد، با انسانیت و برابری طلبی فاصله دارد، با سوسیالیسم کارگری در ضدیت است. چطور میشود سنوار را ستود و قاسم سلیمانی و به طریق اولی جمهوری اسلامی و خامنه ای را ستایش نکرد؟ محور مقاومتی ها بدون پرده و برخی حتی بعنوان "مارکسیست" آنچنان در مدح و ستایش السنوار سخن میگویند که خواننده انگشت به دهان میشود! اگر حسن نظر داشته باشیم، تنها میتوانیم بگوئیم که اینها تفاوت میلیتانی با رادیکالیسم را اشتباه گرفته اند. ناسیونالیسم و اسلامیسیم و هر جریان ارتجاعی و فاشیستی میتواند در عمل جریانی میلیتانت باشد. میلیتانت بودن داعش یا انتحاریون طالبان و القاعده یا میلیتانت ناسیونالیسم عرب و هر جریان چریکی، چیزی در باره مکان اجتماعی و رادیکالیسم و تعلق طبقاتی و راه حل آن جریان نمیگوید. یک جریان کمونیست و سوسیالیست و کارگری بشدت انسانگرا است، در اساس ضد کاپیتالیسم و کلیه شاخه های بورژوازی است، در مقابل جناحهای متفرقه بورژوازی و دولتها از منافع طبقه کارگر در هر کشور و کشورهای درگیر جنگ دفاع میکند، سوسیالیست ها و انقلابیون در جنگ مجازات جمعی نمیکنند، مرتجع و ضد زن نیستند، مخالف و هموسکشوال را اعدام نمیکنند، موئتلف جمهوری اسلامی نیستند، در قطار و دیسکو و مرکز خرید بمب نمیگذارند و از جنگهای ارتجاعی و یکی از طرفین درگیر حمایت نمیکنند. اینها اجزائی از سیاست طبقه کارگر در تقابل با شاخه های مختلف بورژوازی است. میلیتانیسی فی النفسه هیچ بار مثبت عام ندارد. چه پوپولیست و رادیکالیسم خرده بورژوائی شیفته "ایستادن تا به آخر" السنوار است و چون السنوار فلسطینی است و علیه دولت اشغالگر و نژادپرست اسرائیل میجنگد، از هر ایرادی معاف است و بعنوان "اسطوره و قهرمان" و "سمبل جنبش مقاومت فلسطین" به عرش اعلای رانده میشود. در حقیقت، ناسیونالیسم ضد امپریالیستی

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

در باره موضع اشتباه اسماعیل بخشی علیه اپورتونیسیم و تخریب شخصیت

سیاوش دانشور



انجام دهند.

شیوه برخورد با رهبران کارگری و عناصر مهم جنبش طبقه کارگر با شیوه برخورد به خرده بورژوازی ناراضی و دم دمی مزاج و فلان روشنفکر که آگاهانه سیاستهای دفاع از بخشی از بورژوازی را فرموله میکند تفاوت اساسی وجود دارد. بخشی با

اعتصاب و سازماندهی و شورا و دفاع از حقوق برابر انسانها شناخته شده است. بخشی برای این فعالیتها زندانی و شکنجه و از کار اخراج و از نان خوردن محروم شد. محور مقاومتی هوادار جمهوری اسلامی اما از رانت حکومت استفاده میکند تا علیه اسرائیل شعار دهد و پرسوناژ امام حسین و چگوارا را در سیمای السنوار بازسازی کند. اسماعیل بخشی هیچ سنخیتی با جمهوری اسلامی و حماس و امثالهم و همینطور هیچ سنخیتی با ناسیونالیسم و سلطنت و دفاع از بورژوازی نداشته و تاکنون چنین علائمی را بروز نداده است.

برخورد غیر مسئولانه با وی تنها نشان لاقیدی سیاسی گوینده اش در قبال جنبش کارگری و رهبران عملی آنست. میتوان نظر اسماعیل بخشی را صمیمانه نقد کرد، هشدار داد، تناقضش را با منافع کارگر و تاریخ و عملکرد خود وی و نظر هم اکنونش گفت. اما تخریب وی به بهانه یک موضعگیری اشتباه و واکنش اولیه اش در قبال نحوه مرگ السنوار موجبی برای این ترور شخصیت نیست. آدمهای زیادی هستند که در مقاطعی اشتباه کردند. یک فرد مسئول از اشتباه اسماعیل بخشی نگران و برای رفع آن تلاش میکند و نه با روشهای اپورتونیسیتی به تخریب یک چهره کارگری خوشنام پردازد.

۲۰ اکتبر ۲۰۲۴

بدنبال استوری اسماعیل بخشی موجی از برخورد زشت، غیر مسئولانه و فرقه ای علیه وی شروع شده است. این برخوردها و سطح نازل آن توسط کسانی صورت میگیرد که خودشان در سیاست نقش مهمی ندارند و عمدتاً فعالان ویرچووال هستند و به نظر میرسد فرصتی برای تسویه حسابهای شخصی یافته اند.

از نظر من موضع اسماعیل بخشی و توضیحش اشتباه است و یحیی السنوار و حماس و به طریق اولی حزب الله و نصرالله و رئیس شان جمهوری اسلامی هیچ ربطی به مبارزه برحق برای حل مسئله فلسطین ندارند. اینها اجزای متشکله یک جنبش بورژوائی و ارتجاعی به نام اسلام سیاسی هستند که برای قدرت و حکومت خود تلاش میکنند و در دوره سلطه ننگین شان در ایران و غزه و لبنان جنایتهای عظیمی علیه مردم محروم و مخالفین سیاسی مرتکب شده اند. اسماعیل بخشی یک رهبر کارگری است، متخصص سیاست خارجی و سیاست جهانی و تئوریهها و جنبشها نیست. او و دیگر رهبران کارگری مثل هر کس دیگری از جمله فعالین کمونیست و انقلابی اشتباه هم میکنند. تلاش برای زدن وی و صدور فتوای های پوک "باطل شد"، "به لجنزار سقوط کرد" و رفتارهایی از این دست، نه از رادیکالیسم نویافته بلکه از سر دشمنی و بعضاً رقابت شخصی است.

بین اشتباه سیاسی و تاکتیکی تا سقوط و ملحق شدن به کمپ دشمن فاصله زیادی هست. به نظر من موضع اسماعیل بخشی اشتباه است اما او همچنان یک رهبر معتبر کارگری و یک سازمانده موثر است که بیشتر منتقدینش روی هم یکصدم کار وی را تاکنون نتوانسته اند

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم
توده ای و کارگری را همه جا
ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

Parlow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



فجیع با موارد دیگر قتل های زنان چه ناموسی چه هر نوع دیگری متفاوت است. در بسیاری از مواردی که تاکنون اتفاق افتاده زنان بدست مردان و برای پاک کردن نام و ناموس به قتل میرسند. در این مورد خانواده، مدرسه و کارگزاران قانون با همکاری هم دنیا را وادار به گرفتن جان خود میکنند.

هر سه این ارگانها پازل و زنجیره خشونت سازمانیافته ای هستند که علی العموم زنان قربانیان آن میباشد. سیستم بیماری که تنگ کردن فضا و سلب آرامش از زندگی زنان از وظایف تعریف شده اش می باشد.

پدر دنیا در فضای مجازی و سوسیال میدیا اعلام کرده دنیا کافر بوده و مراسمی برای او برگزار نمیشود، کسی هم حق ندارد عکس او را جایی چاپ کند! تنها در جامعه ای که نکبت مذهب بر زندگی انسانها حاکم باشد چنین چیزی ممکن است. این درجه از سببیت تنها از کسانی برمیآید که مذهب و باورهای ارتجاعی جای هر نوع تصور متفاوتی از انسان و انسانیت را گرفته. در فضای از خودبیگانگی محض و استفاده از خشونت در برابر هر آنچه که دنیای سیاه آنان را به چالش بکشد به هر وسیله ای متوسل میشوند.

این روزها زنان آزاده و شجاع در جای جای آن جامعه بدون حجاب ظاهر میشوند و در بسیاری از شهرها حضور محسوس زنان با پوشش اختیاری فضای شهر و خیابان را بشدت تغییر داده. تغییر نگاه و افکار به خانه دنیا نرسید، در خانه دنیا سرکشی و مقاومت او در مقابل فشار و زورگویی پدر با مرگ او همراه شد. سپاهیان شکنجه گر، همدستان پدر و مدرسه که میبایست پناهی برای دنیا و دنیاها باشند، مسبب قتل او شدند. دنیا آرامش و آسایش را نه در خانواده نه در مدرسه و نه در قوانین موجود پیدا نکرد. امیال و آرزوهایش نه با آپارتاید جنسی حاکم خوانایی داشت نه با پدری که مذهب و عافیت کاذب و دروغین "آن دنیا" را بر رفاه و سلامت دنیای واقعی دخترش ترجیح داد. کل دستگاه سرکوب و تحقیر زنان با هر شگردی که در آستین داشتند قتل دنیا را رقم زدند و زندگی را از او گرفتند.

در فضای جنگی حاکم، مرگ دنیا سروصدایی ایجاد نکرده اما همه وجدان های بیدار که علیه ظلم و بیحقوقی و سنن پوسیده جامعه حرفی برای گفتن دارند باید امروز علیه این قتل و مسبب آن جوش و خروشی در جامعه ایجاد کنند که دیگر نه هیچ پدری موی دخترش را برای عبرت عموم بتراشد نه هیچ پاسدار لمپن و سرکوبگری چنان وحشی ایجاد کند که دختران نوجوان مرگ را بر زندگی ترجیح دهند. امروز هر زن معترضی باید خواهان جوابگویی همه کسانی باشند که باعث مرگ دنیا و دنیاها شدند.

اجازه ندهیم در این فضای ملتهد که جمهوری اسلامی با توسل به احتمال جنگ به جامعه تحمیل کرده زنان و دخترانمان قربانی قوانین فوق ارتجاعی ضد زن و خشونت وحشیانه در خانواده و در جامعه شوند. در مقابل قتل دنیا و دنیاها سکوت نکنیم.

۲۴ اکتبر

در مقابل قتل دنیا فرهادی سکوت نکنیم!

ملکه عزتی

دنیا فرهادی تنها ۱۷ سال داشت، مردسالاری و قوانین ضد زن او را به قتل رساند.

او در شهر پاوه زندگی میکرد. چقدر تلخ است که از فعل ماضی برای بیان داستان دنیا استفاده کرد.

بطور معمول ۱۷ ساله ها باید در دنیای جوانی برای آینده برنامه بریزند. در فضایی که جمهوری اسلامی با کمک مذهب، سنت، قانون و سایه شوم مردسالاری بر زنان تحمیل کرده ۱۷ ساله ها بازداشت میشوند، شکنجه و خودکشی می کنند. مهسا، سارینا و نیکا و هزاران دیگر عمدا بدست نیروهای سرکوب جانشان گرفته میشوند. در حکومتی که بختک دین بر همه جا سایه افکنده، امنیت و آرامش واژه های بی معنایی هستند و یا حداقل با تعابیر معمول مطلقا خوانایی ندارند.

امنیت، حرمت و آرامش که علی القاعده باید جز حقوق اولیه هر انسانی باشد، در جمهوری اسلامی در چشم برهم زدنی و توسط هر لات لمپنی مورد تعرض قرار می گیرد و بسادگی سلب میشود. در جامعه ای که مردسالاری و موازی با آن بیحقوقی زنان جز لاینفک قوانین و مقررات رایج است، بیحرمتی و سلب آزادی و آسایش از زنان همزمان در جامعه و خانواده، زنان را بطور روزمره تهدید میکند.

دنیا دختر نوجوان ساکن پاوه در خانواده ای با پدری مرتجع و مذهبی و قوانین بغایت ضد زن، مورد ضرب و شتم شدید پدر قرار می گیرد و موهایش را از یک طرف با تیغ می تراشد.

دنیا بعد از این شکنجه و خشونت غیر قابل باور با اصرار مدیر مدرسه و بدون هیچ واکنشی در مقابل این خشونت قرون وسطایی روانه مدرسه میشود. درد تحقیر و خشونت وارده از طرف پدر آرامش فکری او را بهم میریزد و از مدرسه فرار میکند. ناپدید شدن دنیا از طرف مدیر مدرسه به سپاه پاسداران گزارش میشود و گله سپاهیان بلافاصله گسیل شده و خود را به محلی که دنیا مخفی شده می رسانند. دنیا با دیدن این نیروی سرکوبگر و وحشی از ساختمان مخروبه ای که آنجا پنهان شده پایین میپرد و بر اثر ضربه مغزی بلافاصله جانش را از دست میدهد.

پدر برای وادار کردن دنیا به رعایت حجاب یک طرف موی سر او را می تراشد تا نتواند بدون حجاب از خانه خارج شود! حتی تصور چنین شکنجه و تحقیری از طاقت خارج است. دنیا نمیخواهد تسلیم باور دینی بیمارگونه پدر شود و همزمان نمیخواهد گرفتار نیرویی وحشی و تجاوزگر شود که سابقه زن کشی و قتل را در پرونده خود دارند. دنیا قربانی مردسالاری، باورهای ارتجاعی پدر و فشار و سرکوب و بیحقوقی در مقابل قانونی است که بنا به تعریف در یک جامعه سالم و انسانی باید وظیفه و فونکسیون ایجاد امنیت برای قربانیان خشونت از وظایف اولیه آن باشد.

مردسالاری همپای قوانین ضد زن با حمایت و آموزه های بیمارگونه مذهبی دست در دست هم دنیا را به کام مرگ فرستادند. این قتل



پاکسازی مردم منتسب به یهود در آن منطقه و همراه با جمهوری اسلامی پروژه نابودی کشور و دولت اسرائیل را در پیش گرفته اند. یعنی دقیقاً روی دیگر سکه فاشیسم حاکم در اسرائیل که پاکسازی مردم فلسطین و به رسمیت نشناختن دولت آنها را عملاً اجرا میکند. در سه دهه اخیر دست بالا پیدا کردن این دو قطب افراطی و

تروریستی در دو طرف کشمکش فلسطین- اسرائیل، نه تنها قرارداد اسلو را عملاً دفن کرد، بلکه ادامه مصائب و ناامنی غیر قابل تحمل برای مردم فلسطین و اسرائیل و از جمله فجایع بیش از یکسال اخیر و نسل کشی غزه را برای مردم رقم زد. لذا جنبش کارگران و پیشروان سوسیالیست آن، جنبش اسماعیل بخشی ها و همه جنبشهای حق طلب و آزادیخواه در سراسر دنیا، از فلسطین و کشورهای منطقه تا ایران موظفیم اساساً علیه هیئت حاکمه دست راستی اسرائیل، و همزمان علیه تروریسم اسلامی و حماس و جهاد و حزب الله سد ببندیم. به علاوه واقعیت تلخ غیاب جریان آزادیخواه و سوسیالیست و مترقی در خود جنبش فلسطین و در خاورمیانه و حتی در جنبش ضد جنگ در سطح بین المللی اگرچه فشار سنگینی بر ما است، اما ما را مجاز نمیکند به بهانه "مقاومت" حماس و جهاد و حزب الله و رهبران آنها را تأیید و تمجید کنیم. اتخاذ مواضع غلط، چه راست روانه، و یا چپ روانه برای مبارزین سیاسی پیش می آید. تصحیح چنین مواضعی خود بخشی از درایت و جسارت انقلابی برای مبارزین کارگری و آزادیخواه و حق طلب است. توقع اینست اسماعیل بخشی و فعالین کارگری که شبیه او موضع گرفته اند، موضع غیر قابل دفاع کنونی را نه توجیه، بلکه نقد کنند و با هوشیاری موضع و سیاست درست مربوط به قطب سوم و صدای سوم رادیکال و سوسیالیستی علیه فاشیسم دولت اسرائیل و تروریسم اسلامی حماس و جهاد و حزب الله و جمهوری اسلامی را انتخاب کنند.

فوران کینه طبقاتی راست سلطنت طلب و افراطی علیه اسماعیل بخشی!

کامنت اسماعیل بخشی عکس العملهای متفاوتی را به دنبال داشت. فضا سازی زشت و تلاش سخیف شخصیت شکنانه دو طیف راست و چپ پروغری از بقیه مضمض کننده تر بود.

راست افراطی و سلطنت طلبان پادوی نتانیاهو و دولت دست راستی اسرائیل در اعلام کینه توزی و دشمنی با اسماعیل بخشی هیچ حد و مرزی باقی نگذاشته اند. در کامنتهایشان دقت کنید. برخلاف چپ پروغری اینها بهانه حمله شان به بخشی کامنت بخشی در مورد سنوار نیست. اینها نفرت طبقاتی و جنبشی شان را به تعبیر خوشان از عنصر "کمونست" از کارگری که در مبارزات متحدانه خود و همقطاران ساحت "مقدس" سرمایه و حافظان دیروز و امروز و فردای این نظم گندیده رابه مصاف طلبیده و در مقابلش آلترناتیو شورایی را برجسته کرده، بیان کرده اند. لمپن های سلطنت طلب ضد کارگر و ضد

صفحه ۱۱

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

نقدی به موضع اسماعیل بخشی و پاسخی به تعرض راست و چپ پروغری

رحمان حسین زاده

کامنت اسماعیل بخشی فعال شناخته شده جنبش کارگری در تمجید و سمپاتی نشان دادن به یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی سازمان تروریستی حماس فراتر از اشتباه، بی تردید موضع راست روانه و غلط و مورد انتقاد جدی و سازنده و صمیمانه است. توضیحات بعدی او هم در کامنت دوم توجیه گرانه و مایه تأسف و جای نقد است. اسماعیل بخشی تاکنون نقش مهمی در جنبش کارگری ایفا کرده است. به این دلیل مواضع و سیاستهایی که او اعلام میکند مورد توجه جدی و تاثیرگذار در سطح جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی و فضای جامعه است. صدای رسای او در اعتصابهای درخشان و پی در پی کارگران هفت تپه و برجسته کردن حرکت شورایی و جا انداختن ایده شفاف "شورا را باید زندگی کرد" توش و توان بزرگی به جنبش کارگری ایران بخشید. به صف دهها میلیونی جنبش کارگری و سوسیالیستها امید بخشید. از آن زمان به بعد حرف و عمل اسماعیل بخشی و همراهان رادیکال و مبارزش مورد توجه صفوف جنبش کارگری و سوسیالیستی بوده است. در مقاطعی که با سختیهای متعدد روبرو شد مورد حمایت همه ما در این صف مبارزاتی قرار گرفته است. در تندپیچ کنونی که اسماعیل بخشی با آن روبرو است، انتظار اینست به نقدهای سالم و صمیمانه جریانات و فعالین متعهد و مسئول که در مقاطع سخت در کنارش بودند، توجه جدی بکنند. با نقد کامنت و موضع بشدت غلط تاکنون اعلام شده اش با چشمان باز موضع و سیاست درست در مورد قضیه برحق فلسطین و علیه تروریسم اسلامی و دولتی و نسل کشی و ادامه جنگ کنونی توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل انتخاب کند. به این ترتیب اجازه ندهد جنبش کارگری و سوسیالیستی و موقعیت خود او در این جنبش لطمه بخورد.

طبعاً تداوم درد و رنج عمیق ناشی از اشغالگری و نسل کشی دیرینه دولتهای تا مغز استخوان نژادپرست و مذهبی حاکم در اسرائیل علیه مردم فلسطین تکان دهنده است. حمله تروریستی حماس در هفتم اکتبر سال قبل غنیمتی شد برای دولت فاشیست نتانیاهو تا نقشه همیشگی نسل کشی و پاکسازی مردم غزه و فلسطین را عملی کند. قابل درک است اوج این توحش در همین یکسال قلب اسماعیل بخشی را نیز همانند همه ما بشماران انسانهای این دنیا به درد آورده است. این فجایع برجسم و فکر و ذهن هر انسان متنفر از این اوضاع سنگینی میکنند. برای صف ما کارگران و انسانهای حق طلب و کمونیستها، مسئله اینست در بطن فشارهای سخت و شرایط ناهموار و اوضاع پیچیده قطب نمای آزادیخواهانه خود را از دست ندهیم و انتخاب سیاسی درستی داشته باشیم. در این مورد مشخص اینکه جریاناتی مثل حماس و جهاد در این یکساله زیر فشار نظامی و تروریستی دولت اسرائیل بوده و مقاومت کرده اند، به این معنی نیست اهداف و سیاستها و پراتیک آنها در خدمت اهداف برحق مردم فلسطین بوده و حقانیتی دارد. حمله آنها به مردم سیویل اسرائیل در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و فجایعی که مرتکب شدند، عملکردی تروریستی که ریشه در اهداف ارتجاعی آنها دارد. هدفی که قصد

زنده باد برابری زن و مرد!

طرف در دنیای مالیخولیایی خود اسماعیل بخشی را دیگر "پیوسته به محور مقاومت" و قطب مقابل خود میدانند. از طرف دیگر سمپاتی و حمایتشان از جنگ اسرائیل در ایران را چنین توجیه میکنند که به زعم آنها برای "پایان دادن به محور مقاومت و جمهوری اسلامی است". لذا موضع بخشی را نقطه مقابل موضع پروغری و پرو جنگ اسرائیلی خود میدانند. به این دلیل و با قوت قلب گرفتن از احتمال جنگ اسرائیل در ایران اینچنین بی مهابا و خصمانه به فضا سازی و شخصیت شکنی علیه اسماعیل بخشی دست زدند. در این رابطه توجه به این نکته ضروری است اگر موضع تمجیدآمیز اسماعیل بخشی جای نقد جدی ما است، موضع و سیاست چپ پروغری در همسویی با پروژه های آمریکا و غرب برای آینده ایران و مشخصا امیدشان به جنگ اسرائیل برای "تضعیف جمهوری اسلامی" به قیمت تحمیل مصائب فراوان به مردم ایران و سوق دادن جامعه به طرف سناریوی سیاه بشدت مضر و قویا لازمست محکوم اعلام شود.

به عنوان تاکید پایانی ضمن نقد استوری تمجید آمیز اسماعیل بخشی از سنوار رئیس دفتر سیاسی سازمان تروریستی حماس، لازمست تعرض و فضا سازی زشت و ضد انسانی راست و چپ پروغری علیه اسماعیل بخشی را رسوا و خنثی کرد.

اکتبر ۲۰۲۴

نقدی به موضع اسماعیل بخشی و ...

کمونیسست، کامنت اسماعیل بخشی را غنیمت شمرده، تا از این دریچه ضدیت پایه ای خود را نه فقط با اسماعیل بخشی بلکه با کمونیسسم و کارگر به نمایش بگذارند. هر فرد حتی منتقد کامنت اسماعیل بخشی اگر ذره ای انصاف داشته باشد، با مشاهده کامنتها و اظهارنظرهای لمپنهای بارگاه سلطنت و رضا پهلوی متوجه میشود، استوری غیرقابل دفاع بخشی فرصتی به آنها داده تا پیام دشمنی پایه ای طبقاتی و جنبشی خود را به جنبش کارگری و فعالین آن گوشزد کنند. کف چرانی و هیستری ضد کارگری و ضد کمونیسست و ضد اسماعیل بخشی آنها برگرفته از این صف آرایی قطبی شده جنبشهای مختلف طبقاتی و در صحنه سیاسی جامعه ایران است. هر کارگر و هر فرد و یا جریان معترض و حق طلب که خود را متعلق به جنبش کارگری و آزادیخواهانه در ایران میدانند، با وجود نقد جدی به موضع اعلام شده بخشی، لازمست ابعاد ظرفیت ضد کارگری و ضد کمونیسستی و ضد چپ راست پروغری ایران را جدی بگیرد. خشم "سیاه جامگان" رضا پهلوی و سلطنت طلبان از اسماعیل بخشی ربطی به تمجید او از یحیی سنوار ندارد، بلکه از نظر آنها جرم اسماعیل بخشی "کارگر معترض و سوسیالیست بودن علیه سیطره سرمایه و اعلام زندگی شورایی" است. کسی که خود را سوسیالیست بداند و این پدیده را جدی نگیرد یا بشدت سطحی است و یا متوجه است و با آن همسویی نشان میدهد. اپورتونیسست و شارلاتان است.

چپ پروغری امیدوار به جنگ اسرائیل، به جنگ اسماعیل بخشی رفته است!

در این رویداد اسماعیل بخشی فقط با کمپین سخیف راست افراطی پروغری روبرو نیست. بلکه همزمان و همسو چپ پروغری هم در تعرض به اسماعیل بخشی کوتاهی نکرده است. در اظهار نظرها و اعلام احکام بی پایه شان جهت حفظ ظاهر هم بوده، از موضع غلط فعال کارگری شناخته شده اظهار تأسف هم نکرده و تا توانستند برای تخریب شخصیت و سابقه و کارکرد اسماعیل بخشی به انبان کهنه و لحن و ادبیات خصمانه پناه بردند. بعضی از فعالین و عناصر این طیف گستاخانه احکامی چون اسماعیل بخشی به "اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی پیوست. به محور مقاومت پیوست و یا هست و نیست خود را از دست داد" صادر کردند. دست آنها باشد، دیگر راه نقد و اصلاح و تغییر نظر براسماعیل بخشی بسته شده است. در دنیای فرقه ای خود حکم پایان عمر مبارزاتی و سیاسی اسماعیل بخشی را اعلام کردند. سوال اینست این درجه از گستاخی و فضا سازی اینها علیه فعال کارگری تاثیرگذار در جنبش کارگری از کجانشی میشود؟ از نظر من از امید و اتکایشان به جنگ احتمالی اسرائیل در ایران. چپ پروغری در تحولات این دوره در جنگ و تروریسم و کشمکش بین قطب تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل با قطب تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی و محور مقاومت نه در قطب سوم، بلکه در کنار قطب تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل اند. اینها از سر ضد رژیم گری صرف و به هر قیمت و به هر شیوه (ماکیاولیستی) به زعمشان در نتیجه جنگ اسرائیل در ایران به "انداختن جمهوری اسلامی و فروپاشیدن محور مقاومت" امیدوارند. به این دلیل در کشمکش جاری همسوی تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل اند. این ادعانیست. بعضی سخنگویان و عناصر این جریان و طیف با صراحت از گسترش جنگ اسرائیل برآمده از نسل کشی یکساله اخیر در غزه به جغرافیای ایران حمایت کرده اند. (در این رابطه با فاکت مستدل طی مقاله و گفتار و مصاحبه تلویزیونی به سهم خود نوشته و گفته ام). در نتیجه با شناختی که از این طیف دارم از یک



راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

Worker Communist Party of Iran - Hekmatist

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com



که دل بازی برای راستها دارند و همه جوره سیاست میکنند اما در مقابل رهبر کارگری و کمونیست ها زبانی زشت و غیر مسئول دارند.

انتقاد و نقد سیاسی وظیفه احزاب سیاسی است. نقد مسئولانه و نه کینه توزانه بر نظرات اسماعیل بخشی و هر شخصیت سیاسی دیگری خیلی هم لازم است، اما تهمت و ترور شخصیت هرگز. اول یک سوزن به خودتان بزنید که به همکار نیروهای راست اپوزیسیون بدل شده‌اید.

۲۲ اکتبر ۲۰۲۴

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۷۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۷:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۹:۳۰ ، ۱۰:۳۰ تا ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

www.hekmatist.org

۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲ سرداری
۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰ پروین کابلی
۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹ رحمان حسین زاده
۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷ ملکه عزتی

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

استاندارد دوگانه حزب کمونیست کارگری در برخورد به فعالین چپ و راست

امیر عسگری

چند روزی است که اعضای حزب کمونیست کارگری و چند نفر از طرفدارانش و سلطنت طلبان، پس از اعلام موضع نادرست اسماعیل بخشی که نوعی لغزش در موضع سیاسی است و نقد بر آن وارد است، به جای نقد سیاسی به تخریب شخصیت و انگ و تهمت زدن به این رهبر کارگری مشغول شده‌اند .

اسماعیل بخشی موضعی گرفته است که نادرست است و باید نقد شود. این فقط اسماعیل نیست که مرتکب اشتباه می‌شود، امثال بخشی مرتکب اشتباه می‌شوند ولی جوابش انگ و تهمت و وصل کردن او به جمهوری اسلامی نیست.

برخورد اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری و امثال محمد آسنگران از بنیان‌گذاران نهاد دست‌راستی اکس‌مسلم در قبال اسماعیل بخشی عقده‌گشایی و تهمت زدن به او برای ترور شخصیت یک فعال کارگری تأثیرگذار است. این برخورد نه سیاسی بوده و نه نقد روشنی برای تأثیر گذاشتن و تغییر موضع اسماعیل بخشی. این برخوردهای دست‌راستی اکس‌مسلم‌ها در قبال اسماعیل بخشی از سر پروغرب بودن و پروناتو بودن این افراد است.

در کنار این قضیه، در سال‌های گذشته شاهد حمایت و ارتباط در سطح بالا بین حزب کمونیست کارگری ایران با جریان‌های راست داخل اپوزیسیون بوده‌ایم.

حمایت علنی توسط حمید تقوایی و قطعنامه حمایت از هر راست‌گرایی فقط به خاطر مخالف رژیم اسلامی بودن نیست، او در پلنومی از این حزب در سال ۲۰۱۹ و مقایسه کردن مسیح علینژاد با لنین در برنامه "نگاه به چپ" با مدیریت کیان آذر و حضور مصطفی صابر، حمایت تشکیلاتی از امثال حامد اسماعیلیون و همکاری با احزاب راست و ناسیونالیست کردستان، فقط بخشی از راست‌روی‌های حزب کمونیست کارگری ایران و حمایت بدون نقد از این جریان‌ها و فعالین بوده است.

در سال ۲۰۲۲، فقط در یک مورد در گروهی واتساپی، با اعضای از طرف چهارده امضا جهت همگرایی و "همه باهمی" برای کمپین قابل‌مذهبی جلساتی نیز برگزار کردند و صحبت کردند. این همکاری واضح با راست اپوزیسیون اما مورد نقد قرار نگرفت، بلکه مورد حمایت دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران قرار گرفت و حتی ارتباطشان بهتر و بیشتر نیز شد.

سیاست حمله بی‌پرنسیپانه با چاشنی اتهام‌زنی و ترور شخصیت به کمونیست‌ها و فعالین خوشنام کارگری و حمایت از راست‌ترین جریان‌های اپوزیسیون و عدم نقد آنها، به این دلیل که به اعتقاد حمید تقوایی نمی‌خواهند "اپوزیسیون اپوزیسیون" شوند، تصویر یک جریان در جناح چپ همان راست‌ها است. آنچه توی ذوق میزند و بیشتر جهت و تمایل این حزب و افراد مشابه را روشن میکند، اینست

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

اجتماعات کارگران پیمانکاری پارس جنوبی

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ بخشهایی از کارگران پیمانکاری پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی، در سه شنبه‌های اعتراضی خواسته‌های خود را با برگزاری اجتماعاتی برگزار کردند. بازگشت به کار حجت رضایی نماینده اخراجی کارگران، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه‌بندی برای رانندگان غیرمالک و اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی، رؤس اصلی خواسته‌های کارگران است.

اجتماعات کارگران سکوی نفتی و پالایشگاه‌ها

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ کارگران شاغل در سکوی‌های چهل گانه شرکت نفت و گاز پارس، پالایشگاه‌های سوم، ششم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم پارس جنوبی و پالایشگاه گاز پارسیان واقع در شهرستان مهر استان فارس، در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود دست به تجمع زدند.

اجتماعات کارگران پالایشگاه‌های ماهشهر

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ بخشهایی از کارگران شاغل در پالایشگاه گازی فجر جم، پتروشیمی ماهشهر، مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز و سکوی عملیاتی نصر در منطقه سیری، در محل کار خود دست به تجمعات اعتراضی زدند. کارگران معترض خواستار حذف کسورات حقوق، اصلاح کف حقوق، ترمیم دریافتی کارکنان عملیاتی نفت، حفظ استقلال و تمامیت صندوق نفت، بازگرداندن مالیات‌های دریافتی اضافه و اجرای کامل ماده ۱۰ قانون نفت شدند.

اجتماع کارگران کارخانه سیمان دورود لرستان

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ کارگران سیمان دورود در لرستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های خود و همین‌طور خواست تغییر مدیر عامل و حل مشکلات جاری کارخانه مجددا دست به تجمع و اعتراض زدند. تاکنون هیچ پاسخی به خواسته‌های کارگران داده نشده است.

اجتماع بازنشستگان کشوری و لشکری در کرمانشاه

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ بازنشستگان کشوری و لشکری کرمانشاه در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری دست به تجمع و اعتراض زدند. خواسته‌های بازنشستگان از جمله افزایش حقوق بازنشستگان براساس تأمین نیازهای اساسی زندگی مانند ارائه درمان رایگان، بهبود خدمات رفاهی، تسهیلات بانکی مناسب و تخصیص اعتبار برای متناسب‌سازی حقوق‌ها هستند.

اجتماع بزرگ بازنشستگان فرهنگی سال ۱۴۰۰ در تهران

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ بخشهایی از فرهنگیان بازنشسته سال ۱۴۰۰ در مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه در تهران دست به

تجمع زدند. بازنشستگان به اجرا نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و پایمال شدن حقوق خود اعتراض دارند. روز پنجشنبه سوم آبان در شیراز، بازنشستگان ۱۴۰۰ جلوی دفتر نمایندگان مجلس تجمع کردند و از جمله شعار دادند: "مشکل ما حل نشه، اینجا قیامت میشه"، "یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"!

اجتماع اعتراضی کارگران خدمات شهری آبدانان

سه شنبه اول آبان ۱۴۰۳ بخشی از کارگران خدمات شهری در مقابل ساختمان شهرداری شهرستان آبدانان ایلام دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران به پرداخت نشدن حقوق و بیمه و همچنین جابجایی نیروها اعتراض دارند.

اجتماع خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام در تهران

روز چهارشنبه ۲ آبان ۱۴۰۳ صدها نفر از اعضای خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام، در مقابل ساختمان مجلس در تهران، دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع شعار میدادند: "اعدام نکنید" و خواهان توقف اجرای احکام اعدام صادر شده و الغای مجازات اعدام شدند. از ابتدای ماه اکتبر برابر با ۱۰ مهر تا ۲۶ مهر، دست کم ۱۰۰ زندانی در زندان‌های ایران اعدام شدند. جمهوری اعدامی طی ۱۷ روز، در هر روز حدود شش نفر را اعدام کرده است.

مرخصی درمانی سامان یاسین

روز چهارشنبه دوم آبان [سامان] یاسین (صیدی) بعد از تحمل حدود بیست و شش ماه حبس از زندان قزلحصار با نظر کمیسیون پزشکی و موافقت مرجع قضایی با سپردن چهار میلیارد وثیقه به مرخصی استعلاجی آمد.

اجتماع کارگران سیستم‌های صنعتی در تاکستان

در روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ مهر ۱۴۰۳، کارگران سیستم‌های صنعتی در تاکستان، در محل کار خود دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض این کارگران که تعدادشان به حدود ۶۰ نفر می‌رسد، عدم دریافت سه ماهه حقوق و مزایا و شش ماه تاخیر در پرداخت بیمه توسط کارفرما می‌باشد. کارگران روز سه شنبه اول آبانماه، با اعتماد به وعده تأمین منابع مالی کارفرما طی دو هفته آتی، به اجتماع اعتراضی خود موقتا پایان دادند و به سر کار بازگشتند.

تجمع مردم روستای کوه شهرستان تفتان

روز سه شنبه اول آبان، بخشهایی از ساکنین روستای کوه در شهرستان تفتان در اعتراض به استخراج طلا در این منطقه و خسارات محیط زیستی ناشی از این اقدام، برای چندمین بار تجمع و اعتراض کردند و علیه سکوت مسئولان حکومتی شعار دادند. شرکت معدن طلای تفتان در این منطقه فعالیت دارد و تخریب محیط زیست، قطع مرتب درختان و خشکاندن مسیرهای آبی، غیر قابل زیست کردن منطقه از جمله دلیل اعتراضات مردم این محل می‌باشد.

اعتراض دانشجویان به افزایش شهریه در اصفهان

چهارشنبه ۲ آبان ۱۴۰۳ دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی دانشگاه آزاد در اصفهان در اعتراض به افزایش نجومی شهریه‌ها اعتراض کردند. دانشگاه آزاد مبادرت به افزایش ۲۰۰ درصدی شهریه‌ها کرده است. این اعتراضات در روزهای آینده در سراسر کشور شکل خواهد گرفت.

ادامه اعتصاب کارگران بوئینگ

اعدام قتل عمد دولتی است!

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

کارگران کارخانه بوئینگ که در ۱۳ سپتامبر در پی اختلاف بر سر قرارداد جدید دست به اعتصاب زدند، همچنان به اعتصاب خود ادامه می دهند. روز ۲۳ اکتبر، کارگران با رأی ۶۴ درصدی با پیشنهاد جدید بوئینگ برای افزایش دستمزد مخالفت کرده و تصمیم گرفتند اعتصاب پنج هفته‌ای خود را ادامه دهند. پیشنهاد جدید بوئینگ که شامل افزایش ۳۵ درصدی دستمزد در طول چهار سال بود، دومین تلاش این شرکت برای حل اختلاف با کارگران بود. با این حال، رد این پیشنهاد نشان‌دهنده ناراضی عمیق کارگران از شرایط کاری است که به گفته آن‌ها در دهه گذشته سقوط کرده است. کارگران به ویژه نسبت به مذاکرات قبلی که منجر به لغو طرح بازنشستگی سنتی شد، ناراضی هستند. اتحادیه بین‌المللی کارگران صنایع هوافضا (IAM) پس از رد این قرارداد، اعلام کرد آماده است بلافاصله مذاکرات جدیدی را با بوئینگ آغاز کند. بوئینگ هنوز اظهار نظری رسمی در مورد نتایج رأی‌گیری نکرده است. اما این تصمیم کارگران، ادامه تولید هواپیماهای پرفروش بوئینگ مانند ۷۳۷ مکس و مدل‌های ۷۶۷ و ۷۷۷ را به تعویق انداخته است.

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>



آدرسهای تماس با حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatist

Hekmatist.org

@hekmatist1917

@hekmatist pary

partow TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!